



آیین رسیدگی به مستثنیات دین

◀ تدوین: رضا شاه‌حسینی
رئیس شعبه دوم دادگاه حقوقی ورامین

آنچه در پی می‌آید آخرین بخش مبحث آیین رسیدگی به مستثنیات دین است که می‌خوانید.

■ فصل دوم - تصمیم مرجع صالح، قابلیت شکایت از تصمیم، آثار تصمیم

بعد از شناسایی مراحل رسیدگی قبل از اتخاذ تصمیم مرجع صالح، راجع به اختلاف طرفین در مورد مستثنیات دین، اعم از مرجع صالح، نحوه رسیدگی و نحوه استناد، در این فصل به مراحل بعدی رسیدگی به اختلاف مذکور می‌پردازیم.

در مبحث اول، پیرامون نوع تصمیم مرجع صالح، اعم از دادگستری و مراجع غیردادگستری در حقوق ایران و نیز مطالعه‌ای کوتاه در حقوق خارجی، بحث خواهیم کرد.

هر یک از مراجع صالح مذکور، ممکن است، نسبت به پذیرش یا عدم پذیرش ادعای طرفین یا در جهت رفع اختلاف طرفین، تصمیم‌های متفاوتی اتخاذ نمایند. نظر به اینکه شناسایی قابلیت شکایت و نیز آثار آن، منوط به شناخت نوع تصمیم مرجع صالح می‌باشد، بنابراین شناخت نوع تصمیم واجد اهمیت دوچندان است.

در مبحث دوم، بحث خواهیم کرد که آیا از تصمیمات مراجع صالح در دادگستری و مراجع غیردادگستری و نیز حقوق خارجی، می‌توان شکایت کرد یا خیر؟ و آیا اصولاً این تصمیمات قابل اعتراض و تجدیدنظر می‌باشند یا خیر؟ در این مبحث ضمن بررسی اصول اساسی، قابل شکایت بودن انواع تصمیمات مرجع صالح در مراحل مختلف رسیدگی

چندگاه رسیدگی در حقوق ایران مطرح می‌شود. بحث خواهیم کرد و سپس مطالعه‌ای کوتاه خواهیم داشت بر انواع تصمیم‌هایی که نسبت به رفع اختلاف طرفین در خصوص مستثنیات دین از سوی مراجع قضایی حقوق خارجی اتخاذ می‌شود.

■ بند اول - حقوق ایران

تصمیم مرجع صالح قضایی در جهت رفع اختلاف طرفین در مراحل مختلفی که اختلاف طرفین مطرح می‌شود، یا محکوم‌علیه اعتراض می‌نماید، متفاوت است. بر همین اساس به تفکیک مراحل مختلفی که اعتراض یا اختلاف مطرح می‌شود، تصمیم مرجع صالح را شناسایی می‌کنیم.

الف - تصمیم مرجع صالح در موردی که اختلاف طرفین قبل از توقیف مال باشد

دادگاه صادرکننده اجرائیه، در صورتی که اعتراض محکوم‌علیه را وارد تشخیص دهد، ادامه عملیات اجرائی نسبت به مال مورد نظر محکوم‌له را، ممنوع اعلام می‌کند و محکوم له به تعرفه اموال دیگری از مدیون مکلف می‌شود. چنانچه اعتراض محکوم‌علیه را نپذیرد، دستور توقیف مال و ادامه عملیات اجرائی

به اختلاف طرفین راجع به مستثنیات دین، بحث خواهد شد.

در مبحث سوم، پیرامون آثار تصمیم مرجع صالح در فرض پذیرش یا عدم پذیرش مستثنیات دین مطالبی بیان خواهد شد. در این مبحث توضیح خواهیم داد که اگر مرجع صالح مال را خارج از مستثنیات دین تشخیص دهد، این تصمیم چه اثری بر حقوق محکوم‌له و حقوق محکوم‌علیه دارد و نیز آثار آن بر عملیات اجرائی چگونه خواهد بود. بررسی این مسائل در دادگستری و مراجع غیردادگستری و نیز حقوق خارجی به تفصیل در این مبحث خواهد آمد.

■ مبحث اول - تصمیم مرجع صالح در مراحل مختلف رسیدگی

◀ گفتار اول - تصمیم مرجع قضایی

تصمیم دادگاه یا واحد اجرای احکام در رفع اختلاف طرفین نسبت به مستثنیات دین در حقوق ایران و حقوق خارجی متفاوت است. در این گفتار، ابتدا به شناسایی تصمیم‌های مختلفی که در مراحل

بدوا عملیات اجرایی را متوقف می‌نماید و در همان جلسه در حضور طرفین نسبت به رفع اختلاف اقدام خواهد کرد. چنانچه تشخیص داد مال از جمله اموال معاف از اجرا می‌باشد، فوراً دستور رفع توقیف را صادر می‌نماید و اموال دیگر محکوم‌علیه با راهنمایی محکوم‌له توقیف می‌شود.

اما قبل از توقیف مال، دادگاه در خصوص اعتراض نظر نمی‌دهد، چرا که پس از توقیف ممکن است حقوق مدیون ضایع شود.

بنابراین در حقوق آمریکا به اعتراض مدیون قبل از توقیف ترتیب اثر داده نمی‌شود و دادگاه دستورادامه عملیات اجرایی و توقیف اموال مدیون را صادر می‌نماید.

گفتار دوم - مراجع غیرقضایی

بند اول - اداره ثبت

مطابق ماده (۷۸) آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا مصوب ۱۳۵۵، چنانچه احراز شود طرفین در موقع توقیف مال حضور داشته‌اند و اعتراضی مبنی بر اینکه مال مورد توقیف جزء مستثنیات دین است ننموده باشند، رئیس ثبت اعتراض متعاقب را بی‌مورد تشخیص و دستور ادامه عملیات اجرایی را صادر می‌نماید.

چنانچه در موقع توقیف اعتراض نمایند، رئیس ثبت وفق تبصره (۲) الحاقی به ماده (۶۹) آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا، و مطابق ماده (۲۲۹) آیین‌نامه مذکور، پس از رسیدگی، چنانچه احراز نمود مال مورد توقیف از جمله اموال مشمول مستثنیات دین است، دستور رفع توقیف آنرا صادر می‌نماید.

چنانچه اعتراض پس از توقیف و قبل از ارسال کارت موضوع ماده (۱۵۱) آیین‌نامه، به مرکز حراج، واصل شود، تا قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به اعتراض، رئیس ثبت دستور توقیف عملیات اجرایی را صادر می‌نماید و پس از رسیدگی به موضوع، چنانچه اموال را جزء مستثنیات دین بدانند، اجرای دستور نسبت به مال توقیفی را غیرممکن و دستور رفع توقیف مال را صادر می‌نماید و چنانچه اعتراض را رد نماید، دستور



ارسال کارت به مرکز حراج و انجام مراتب حراج را صادر می‌کند.

در مورد اموال منقول نیز چنانچه برخلاف ماده (۱۵۴) آیین‌نامه، معترض اعتراض خود را در خارج از مهلت پنج روز از تاریخ ارسال کارت به مرکز حراج، تقدیم نموده باشد، چون اعتراض خارج از مهلت بوده است، رئیس ثبت اعتراض را غیروارد تشخیص می‌دهد و چنانچه در مهلت تقدیم شده باشد، فوراً نسبت به موضوع رسیدگی نموده و در صورت وارد دانستن اعتراض، دستور عدم ارسال کارت به مرکز حراج و رفع توقیف مال را صادر می‌نماید. در صورتیکه اعتراض را وارد ندارند، دستور ارسال کارت به مرکز حراج و انجام مراتب حراج را صادر می‌نماید.

اول، توضیح داده‌ایم، در صورتیکه دادگاه صالح پس از رسیدگی صحت ادعای محکوم‌علیه را احراز نموده باشد، حکم بر ابطال عملیات اجرایی و ابطال سند را صادر می‌نماید و متعاقب آن دادگاه مجری حکم با توجه به ملاک ماده (۳۹) ق.ا.م. دستور اعاده عملیات اجرایی به حالت قبل را صادر می‌نماید. وفق بخش اخیر ماده (۳۹)، اعاده عملیات اجرایی به دستور دادگاه به ترتیبی که برای اجرای حکم مقرر است بدون صدور اجرائیه به عمل می‌آید.

چنانچه دادگاه ادعای محکوم‌علیه را نپذیرد، حکم بر بی‌حقی خواهان صادر نموده و بر عملیات اجرایی خدشه‌ای وارد نمی‌شود.

بند دوم - حقوق تطبیقی

الف - حقوق اردن

در حقوق اردن چنین آمده است که در تعیین میزان مال مورد نیاز و متناسب با وضعیت اجتماعی مدیون، نظر رئیس اجرا ملاک است و رئیس اجرا حرف‌های دو طرف را می‌شنود و در صورت پذیرش ادعای مدیون، قرار تأخیر فروش را برای مدتی معقول صادر می‌نماید و محکوم‌له مکلف می‌شود تا اموال دیگری را معرفی نماید. مراد از رئیس اجرا، رئیس محکمه بدوی است.

ب - حقوق لبنان

در حقوق لبنان آمده است هنگام حدوث اختلاف بین طرفین و تعیین کمت لازم، رئیس اجرا برطبق قواعد عمومی حل و فصل می‌نماید. مراد از قواعد عمومی علی‌الاصول رعایت تشریفات آ.د.م، به طور کامل نمی‌باشد، چه اینکه در این فرض اولاً، اجرای

را صادر می‌نماید. در صورتیکه موضوع اختلاف طرفین درخصوص تعیین میزان مال متناسب با نیاز و شأن محکوم‌علیه باشد، دادگاه پس از انجام مراحل کارشناسی و انجام تحقیقات محلی، با تعیین میزان مال متناسب با نیاز و شأن محکوم‌علیه، دستور توقیف میزان مازاد را صادر خواهد نمود.

در پرونده کلاسه ج/۱۱۷۶/۷۸ اجرای احکام مدنی ورامین، دادگاه پس از وصول نظریه کارشناسی اتخاذ تصمیم نمود. نظریه کارشناس بدین نحو بود:

«با توجه به اوضاع و احوال خانواده و افراد تحت تکفل محکوم‌علیه، با تهیه یک باب خانه مسکونی در محدوده زندگی فعلی‌شان با حدود قیمت بیست و پنج میلیون ریال، رفع «عسر و حرج» خواهد شد»
نظریه دادگاه:

«دادگاه با عنایت به مطالعه و بررسی اوراق و محتویات پرونده و عملیات اجرایی توسط دایره محترم اجرای احکام و با در نظر گرفتن جمیع جهات و حقوق طرفین به میزان تعیینی توسط کارشناس جهت تعیین منزل مسکونی افراد تحت تکفل محکوم‌علیه رفع اختلاف می‌نماید.»

ب - تصمیم مرجع صالح در موردی که اختلاف طرفین بعد از توقیف مال باشد

در این مورد، چنانچه دادگاه اعتراض مدیون را وارد تشخیص دهد، دستور رفع توقیف مال را صادر می‌نماید و عملیات اجرایی نسبت به مال مورد توقیف منتهی خواهد شد. در صورتیکه دادگاه اعتراض مدیون را نپذیرد، دستور لغو توقیف عملیات اجرایی را صادر، سپس دستور ادامه عملیات اجرایی و انجام مراحل مزایده را صادر می‌نماید.

چنانچه اختلاف طرفین درخصوص میزان مال متناسب با شأن و نیاز محکوم‌علیه باشد، میزان مال متناسب با شأن و نیاز محکوم‌علیه را تعیین و در صورتیکه مازادی باقی مانده باشد، دستور فروش و مزایده آنرا صادر می‌نماید.

بخش اخیر ماده (۵۲۶) ق.آ.د.م، نیز همین موضوع را یادآور می‌شود:

«... چنانچه اموال و اشیاء مذکور بیش از حد نیاز و شوون محکوم‌علیه تشخیص داده شود و قابل تحزیه و تفکیک نباشد به دستور دادگاه به فروش رسیده مازاد بر شأن، بابت محکوم‌به یا دین پرداخت می‌گردد.»

ج - تصمیم مرجع صالح در موردی که اختلاف طرفین یا اعتراض بعد از انجام مزایده باشد.

اول - اعتراض بعد از مزایده و قبل از تحویل مال یا دستور تنظیم سند به نام خریدار

در این فرض، چنانچه دادگاه مجری حکم، ادعای محکوم‌علیه را بپذیرد، دستور ابطال عملیات اجرایی و ابطال مزایده و متعاقب آن رفع توقیف مال را صادر می‌نماید و محکوم‌له باید اموال دیگری از محکوم‌علیه را معرفی نماید.

اما چنانچه دادگاه اعتراض وی را نپذیرد، دستور ادامه عملیات اجرایی و تحویل مال به خریدار یا تنظیم سند، حسب مورد، صادر خواهد نمود.

دوم - اعتراض بعد از مزایده و بعد از تحویل مال یا دستور تنظیم سند به نام خریدار
در این فرض همانطوریکه در مبحث سوم فصل

حکم معطل می‌ماند، ثانیاً، مورد از موارد رسیدگی به ماهیت موضوع نمی‌باشد و صرفاً رفع اشکال مرحله اجرای حکم موردنظر است.

بنابراین به نظر می‌رسد مراد از رعایت قواعد عمومی، دعوت طرفین و رسیدگی در وقت فوق‌العاده می‌باشد. در حقوق ایران نیز رسیدگی به شکایت مراحل اجرایی در وقت فوق‌العاده است. وصف فوق‌العاده دال بر عدم رعایت تشریفات نیست، بلکه صرفاً بدین معناست که پرونده خارج از وقت رسیدگی دفتر اوقات دادگاه که براساس ترتیب ورود دادخواست تنظیم شده است، رسیدگی خواهد شد.

ج - حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا، چنین آمده است که دادگاه

در حین عملیات حراج نیز چنانچه رأی هیأت نظارت یا شورای عالی ثبت مبنی بر ابطال عملیات حراج به جهت توقیف مستثنیات دین واصل شده باشد، وفق ماده (۱۸۲) آیین‌نامه، رئیس ثبت دستور توقیف عملیات اجرایی را صادر می‌نماید و ادامه عملیات اجرایی راجع به مال مزبور را غیرممکن اعلام می‌کند.

بند دوم - اداره داری

در قانون مالیاتهای مستقیم و آیین‌نامه آن، در خصوص نوع تصمیم هیأت حل اختلاف مالیاتی راجع به ایرادات و اشکالاتی که در مرحله اجرایی، از طریق توقیف و فروش اموال مودی، اتخاذ می‌شود، مطلبی بیان نشده است.

با توجه به آنچه در این خصوص در مورد اجراییه ثبت یا اجرای احکام دادگستری بیان شده است، هیأت حل اختلاف نیز در صورتی که اعتراض مودی را وارد تشخیص دهد، دستور توقیف عملیات اجرایی نسبت به مال مورد توقیف را صادر می‌نماید و در غیر این صورت دستور فروش آن مال از طریق مزایده صادر خواهد شد و مطابق تبصره یک ماده (۲۴۴) قانون مالیاتهای مستقیم، رأی اکثریت اعضای حل اختلاف در خصوص رفع ایراد و اشکال در عملیات اجرایی، معتبر خواهد بود.

مبحث دوم - قابلیت شکایت از تصمیم مرجع صالح

در این مبحث پیرامون قابلیت شکایت تصمیم مرجع صالح در خصوص اعتراض محکوم‌علیه تحت عنوان مستثنیات دین در عملیات اجرایی به تفکیک در دادگستری و مراجع غیردادگستری و هم‌چنین در حقوق خارجی بحث خواهیم کرد.

گفتار اول - مرجع قضایی

در این گفتار، در بند اول به بررسی قابلیت شکایت تصمیم دادگاه صالح در حقوق ایران، در خصوص اعتراض محکوم‌علیه تحت عنوان مستثنیات دین، در مراحل مختلف عملیات اجرایی خواهیم پرداخت و در بند دوم، مطالعه‌ای خواهیم داشت در حقوق خارجی، پیرامون موضوع فوق.

بند اول - حقوق ایران

نوع تصمیم دادگاه در مراحل مختلف رسیدگی به اختلاف طرفین (قبل از توقیف - بعد از توقیف - پس از انجام مزایده و قبل از احراز صحت جریان مزایده) در قالب «تصمیم» و «دستور» و دادگاه در صورت پذیرش اعتراض محکوم‌علیه، حسب مورد، دستور توقیف عملیات اجرایی روی مال متنازع‌فیه، دستور رفع توقیف مال» و «دستور ابطال جریان مزایده» را صادر می‌نماید.

بنابراین تصمیم دادگاه در قالب «دستور» است نه رأی (قرار حکم). البته ممکن است دادگاه جهت رسیدگی به اختلاف طرفین قرار تأخیر اجرا یا قرار توقیف عملیات اجرایی، صادر نماید، که این قرارها خود از نوع قرارهای موقتی اند. لیکن تصمیم نهایی در قالب «دستور» است. وفق ماده (۵۲۵) ق.ا.د.م، جدید: «... چنانچه اموال و اشیاء مذکور پیش از

حدنیاز و شئون محکوم‌علیه تشخیص داده شود و قابل تجزیه و تفکیک نباشد به دستور دادگاه به فروش رسیده مزایده بر شأن، بابت محکوم به یادین پرداخت می‌گردد».

بنابراین تصمیم دادگاه در مقام رفع اشکالی که در جریان عملیات اجرایی حادث می‌شود، علی‌الاصول در قالب «دستور» است.

در مواردی تصمیم دادگاه در مراحل اجرای حکم، در ق.ا.د.م صریحاً قطعی، اعلام شده است (بخش اخیر ماده ۴۸، بخش اخیر ماده ۵۳ و ماده ۱۴۳).

بنابراین می‌توان گفت، علی‌الاصول تصمیم دادگاه در مقام رفع اشکال عملیات اجرایی که به جهت طرح موضوع مستثنیات دین، حادث می‌شود، با توجه به ملاک مفاد مواد فوق‌الذکر قطعی است و علی‌القاعده قابل شکایت نمی‌باشد و مربوط به اختیارات «صلاح‌دیدی» دادگاه است.^۱

تنها نکته‌ای که باقی می‌ماند، این است که چنانچه اعتراض محکوم‌علیه بعد از احراز صحت جریان مزایده باشد، دادگاه صالح در این مورد وفق قواعد عام آیین‌دادرسی مدنی، رسیدگی خواهد نمود و رأی صادر می‌نماید. بدیهی است این رأی نیز وفق مقررات دعای مالی، قابل شکایت است.

بند دوم - حقوق تطبیقی

الف - حقوق مصر

در حقوق مصر چنین آمده است که چنانچه محکمه حکم بر بطلان عملیات اجرایی به جهت توقیف اموال مشمول مستثنیات دین، صادر نماید، اگر قیمت مال مورد توقیف بیش از مبلغ بانصد لیره و کمتر از مبلغ پنج‌هزار لیره مصری باشد، در محکمه استیناف قابل رسیدگی استینافی است.^۲

ب - حقوق عراق

در حقوق عراق تشخیص اینکه مال ممنوع از توقیف است یا خیر، با مدیر اجراست و مدیر اجرایی که دستور توقیف داده است (رئیس محکمه بدوی) به اعتراض محکوم‌علیه رسیدگی می‌کند و تصمیم مدیر اجرا در محکمه بالاتر قابل اعتراض نیست، چون احراز وضعیت اجتماعی و اقتصادی متناسب با شأن مدیون در خلال تحقیق و تفحص از سوی مدیر اجرا به دست می‌آید و خود او نسبت به فصل خصومت تصمیم می‌گیرد و بلافاصله بعد از تصمیم، عملیات اجرایی ادامه می‌یابد.^۳

گفتار دوم - مراجع غیرقضایی

بند اول - اداره ثبت

مطابق ماده (۲۲۹) آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا،

نظریه رئیس ثبت در خصوص اختلاف طرفین راجع به عملیات اجرایی از جمله، ادعای متعهد، مبنی بر جریان عملیات اجرایی روی مستثنیات دین ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، در هیأت نظارت استان قابل شکایت است.

بند (۸) ماده (۲۵) قانون ثبت نیز یکی از موارد صلاحیت هیأت نظارت را رسیدگی به اعتراض اشخاص نسبت به نظریه ثبت در مورد تخلفات و اشتباهات اجرایی دانسته است. اعتراض محکوم‌علیه به توقیف اموال مشمول مستثنیات دین، یکی از اشکالاتی است که در مرحله اجرای سند لازم‌الاجرا مطرح می‌شود.

وفق تبصره (۴) ماده (۲۵) قانون ثبت، رأی هیأت نظارت در مورد موضوع ما نحن فیه غیرقابل تجدیدنظر در شورای عالی ثبت است.

بند دوم - اداره داری

مطابق تبصره یک ماده (۲۴۴) قانون مالیاتهای مستقیم، رأی هیأت حل اختلاف مالیاتی در خصوص ایرادات و اشکالاتی که در جریان اجرا حادث می‌شود، به اکثریت قطعی است و نظر اقلیت باید در متن رأی قید شود.



ممکن است هیأت با حضور دو عضو نیز تشکیل شود و در این وضعیت، در صورت اختلاف رأی بین دو عضو، پرونده به هیأت حل اختلاف مالیاتی دیگری ارجاع می‌شود و در هر حال رأی صادره قطعی است.

بنابراین چنانچه هیأت حل اختلاف مال مورد توقیف را از شمول مستثنیات دین خارج بداند، یا آنرا مشمول مستثنیات دین تلقی نماید، در هر حال رأی هیأت قطعی و غیرقابل اعتراض است. البته وفق ماده (۲۵۶) و (۲۵۷) قانون مذکور، چنانچه پس از صدور رأی از سوی هیأت حل اختلاف مالیاتی، مودی مدعی باشد، رأی صادره از سوی هیأت ناقص قوانین و مقررات جاری بوده است. از این جهت، این رأی در شورای عالی مالیاتی قابل رسیدگی و رأی شورا قطعی و لازم‌الاجرا است.

مبحث سوم - آثار تصمیم مرجع صالح

چنانچه مرجع صالح اعتراض محکوم‌علیه و مدیون را مبنی بر این که عملیات اجرایی روی مستثنیات دین انجام گرفته است، نپذیرد، بدیهی است عملیات اجرایی وفق مقررات ادامه می‌یابد، لیکن اگر تشخیص مرجع صالح بر این باشد که عملیات اجرایی روی مستثنیات دین انجام نشده است، این تصمیم مرجع صالح در روند عملیات اجرایی آثاری را بدنبال خواهد داشت. اثر تصمیم مرجع صالح از جهت فوق در اجرای احکام دادگستری با اجرای اسناد در مراجع غیردادگستری متفاوت است. در این مبحث صرفاً به آثار پذیرش تصمیم مرجع صالح می‌پردازیم، چه اینکه در صورت عدم پذیرش اعتراض، بدیهی است، عملیات اجرایی وفق مقررات ادامه می‌یابد و آثار عمومی متعاقب بر اجرای احکام یا اسناد لازم‌الاجرا را به دنبال خواهد داشت.

بدین ترتیب در گفتار اول، آثار مترتب بر تصمیم مرجع صالح در دادگستری و به تفکیک در حقوق ایران و حقوق خارجی، بررسی خواهد شد و در گفتار دوم، آثار تصمیم مراجع غیردادگستری بر روند عملیات اجرایی، بحث خواهد شد.

گفتار اول - آثار تصمیم مرجع قضایی مبنی بر پذیرش ادعای مستثنیات دین

بند اول - حقوق ایران

در صورتی که دادگاه صالح تشخیص دهد، عملیات اجرایی روی مال مشمول دین انجام شده است، این تشخیص و متعاقب آن تصمیم دادگاه، از یک سو اثری مستقیم خواهد داشت بر روند عملیات اجرایی و از سویی دیگر به طور غیرمستقیم، در صورتیکه محکوم‌علیه اموال دیگری نداشته باشد، ممکن است موجدات بازداشت او را فراهم نماید.

الف - آثار مستقیم تصمیم مرجع قضایی بر روند عملیات اجرایی

اثر مستقیم تصمیم دادگاه صالح بر روند عملیات اجرایی، با توجه به اینکه اعتراض مدیون و تصمیم

دادگاه در چه مرحله‌ای از مراحل عملیات اجرایی بوده است متفاوت است. ضمن اینکه اعاده هزینه‌های اجرا و رفع توقیف مال در تمامی مراحل صادق است.

اول - توقیف عملیات اجرایی و منع از ادامه عملیات اجرایی در مورد مال مورد اعتراض

چنانچه اعتراض محکوم‌علیه در خصوص مستثنیات دین، قبل از توقیف مال باشد و دادگاه اعتراض معترض را وارد تشخیص دهد، این تصمیم دادگاه موجبات منع ادامه عملیات اجرایی را در خصوص مال موردنظر فراهم می‌نماید و این امر استثنایی بر اصل دوام و استمرار عملیات اجرایی است.

بنابراین هرچند مأمور اجرا حق ندارد عملیات اجرایی را متوقف نماید^{۱۱}، لیکن در صورتی که دادگاه احراز نماید، مال موضوع عملیات اجرایی، از جمله اموال مشمول مستثنیات دین است، عملیات اجرایی بلافاصله متوقف خواهد شد و محکوم‌علیه باید جهت ادامه عملیات اجرایی، اموال دیگری از محکوم‌علیه را معرفی نماید.

دوم - توقف عملیات اجرایی و رفع توقیف مال

چنانچه دادگاه بعد از توقیف مال، احراز نماید که مال توقیف شده از جمله مستثنیات دین اموال محکوم‌علیه است، دستور توقف عملیات اجرایی و رفع توقیف مال را صادر می‌نماید. در اثر این تصمیم از مال رفع توقیف شده و در اختیار محکوم‌علیه قرار می‌گیرد و محکوم‌علیه جهت ادامه عملیات اجرایی باید اموال دیگری را از محکوم‌علیه معرفی نماید.

سوم - ابطال عملیات اجرایی و مزایده

در صورتی که دادگاه بعد از انجام مزایده احراز نماید مزایده در مورد اموال مشمول مستثنیات دین انجام شده است، بلافاصله دستور ابطال عملیات اجرایی و مزایده را صادر می‌نماید و در اثر این تصمیم دادگاه، چنانچه مال مورد مزایده تحویل خریدار نشده باشد، تحویل محکوم‌علیه می‌شود و در صورتی که وجهی از خریدار دریافت نشده باشد، تحویل محکوم‌علیه می‌شود و در صورتی که وجهی از خریدار دریافت شده باشد، به وی مسترد خواهد شد.

در فرضی که مال تحویل خریدار شده باشد یا در مورد مال غیرمنقول سند به نام خریدار تنظیم شده باشد و دادگاه بر طبق ماده (۱۴۳) ق.ا.م.، صحت مزایده را احراز نموده باشد، چنانچه محکوم‌علیه حکمی از مرجع صالح مبنی بر ابطال عملیات اجرایی و ابطال سند ارائه نماید، با استفاده از ملاک ماده (۳۹) ق.ا.م.، دادگاهی که عملیات اجرایی به دستور او بوده است، دستور اعاده عملیات اجرایی به حالت قبل را صادر می‌نماید و اجرای این دستور بدون صدور اجرائیه خواهد بود و در اثر آن محکوم‌علیه می‌تواند اموال دیگری از محکوم‌علیه را به دایره اجرا معرفی نماید و چنانچه خریدار خود محکوم‌علیه باشد، مبلغ به وی مسترد می‌شود و چنانچه خریدار غیر از محکوم‌علیه باشد، خریدار

جهت وصول وجه خود باید به طرفیت محکوم‌له طرح دعوی نماید.

ب - آثار غیرمستقیم تصمیم مرجع قضایی

چنانچه دادگاه مال موضوع عملیات اجرایی را از جمله اموال مشمول مستثنیات دین تشخیص دهد و محکوم‌علیه، جز مال فوق اموال دیگری نداشته باشد، تحت شرایطی موجبات بازداشت وی در ازای عجز از پرداخت محکوم‌به فراهم خواهد شد.

شرایط بازداشت محکوم‌علیه‌ای که جز مستثنیات دین، اموال دیگری ندارد، در موردی که محکوم‌علیه، محکوم‌به پرداخت جزای نقدی باشد و موردی که محکوم به پرداخت مالی در حق دیگری باشد، متفاوت است.

مطابق ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷، در صورتی که محکوم‌علیه جزای نقدی، از پرداخت جزای نقدی امتناع نماید و مالی غیر از مستثنیات دین از او به دست نیاید، به دستور قاضی صادرکننده حکم^{۱۲}، در ازای هر پنجاه‌هزار ریال یا کسر آن یک روز بازداشت می‌شود^{۱۳}، بنابراین چنانچه دادگاه مالی از اموال محکوم‌علیه را جهت وصول جزای نقدی توقیف نمود و محکوم‌علیه مدعی شود که مال مورد توقیف

در صورتی که دادگاه بعد از انجام مزایده احراز نماید مزایده در مورد اموال مشمول مستثنیات دین انجام شده است، بلافاصله دستور ابطال عملیات اجرایی و مزایده را صادر می‌نماید

از جمله مستثنیات دین است و این امر بر دادگاه نابت شود. چنانچه اموال دیگری از او به دست نیاید، بازداشت محکوم‌علیه که بر حکم جزایی محکوم به پرداخت جزای نقدی شده است، فراهم خواهد شد. نکته قابل توجه اینکه بازداشت محکوم‌علیه در ازای عجز از پرداخت جزای نقدی در صورتی که مالی غیر از مستثنیات دین از او به دست نیاید، فقط ناظر بر محکومیت جزای نقدی به موجب حکم جزایی است و قابل تسری به سایر جرمه‌های نقدی در امر غیر جزایی یا جرمه‌های نقدی سایر ارگانهای دولتی غیر از دادگستری نمی‌شود، به استثنای جرمه‌های نقدی مربوط به تعزیرات حکومتی که با توجه به ماده (۵) قانون مذکور، مشمول حکم می‌باشد.^{۱۴}

هم‌چنین، در صورتی که شخص محکوم به پرداخت مالی در حق دیگری شود و اموالی که در جهت اجرای حکم معرفی شده است، به تشخیص دادگاه از جمله مستثنیات دین شناخته شود و هیچ‌گونه مال دیگری از او به دست نیاید، مطابق ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، به درخواست محکوم‌له تا زمان تأدیه بازداشت خواهد شد.

با جمع ماده (۵۲۳) ق.آ.د.م.، و ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، این نتیجه حاصل می‌شود که اگر از محکوم‌علیه غیر از مستثنیات دین

مالی به دست نیاید، با تقاضای محکوم‌له، تا یوم‌الادا بازداشت خواهد شد. البته بازداشت شخص در ازای عجز از پرداخت محکومیت مالی، به نظر ما، امری پسندیده نمی‌باشد و قانونگذار نیز پس از چند سال از تصویب قانون مذکور به اشتباه خود پی برده است و طرح لغو قانون مذکور در مجلس شورای اسلامی در حال بحث و بررسی است.

برخی اساتید^{۱۷}، چنین نظر داده‌اند که مفاد ماده (۲) قانون مذکور به جز محکومیت‌های دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم، تنها شامل مواردی است که موضوع استرداد مال مطرح باشد و حکم به استرداد مالی حاکی از آن است که محکوم علیه قبلاً مالی از محکوم‌له گرفته باشد و از رد آن امتناع نموده باشد و لذا شامل محکومیت به پرداخت‌هایی که مشعر بر استرداد مال نباشد، نمی‌شود.

به نظر ما با توجه به تبصره ماده (۲) قانون فوق^{۱۸}، که تصریح به شمول مفاد ماده (۲) به مواردی که موضوع محکومیت صرفاً «دین» باشد، نمی‌توان دایره شمول ماده (۲) را محدود به مواردی نمود که مفاد حکم صرفاً مشعر بر استرداد مال باشد.

البته از جهتی چون قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی خلاف اصل می‌باشد، باید در حد قدر متیقن تفسیر شود و شاید نظریه استاد محترم به شرح فوق،

چنانچه در راستای وصول مالیات، مالی غیر از مستثنیات دین از مودی به دست نیاید، هر چند مالیات جزء حقوق عمومی است و به حساب خزانه‌داری کل واریز می‌شود، لیکن چون عنوان محکومیت جزایی ندارد، نمی‌توان مودی را به لحاظ عجز از پرداخت مالیات بازداشت نمود.

در این جهت بوده است.

بند دوم - حقوق تطبیقی

الف - حقوق اردن

در حقوق اردن چنانچه رئیس محکمه بدوی (رئیس اجرا) مال مورد توقیف را غیرقابل فروش اعلام نماید، عملیات اجرایی به طور کلی باطل اعلام می‌شود و به دستور رئیس اجرایی به حالت قبل اعاده می‌شود. هم‌چنین توضیح داده شده است که اثر این بطلان موقتی است، بدین نحو که ممکن است بعداً همان محکمه یا محکمه دیگر آن مال را قابل توقیف و فروش اعلام نماید یا اینکه محکوم علیه اموال دیگری به دست آورد و موضوع مستثنیات دین منتفی شود.^{۱۹} با توجه به اینکه مستثنیات دین، با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی زمان توقیف یا اجرای حکم محکوم علیه تعیین می‌شود و ممکن است این وضعیت در آینده تغییر کند، موقتی تلقی کردن اثر بطلان عملیات اجرایی، قابل توجه به نظر می‌رسد.

ب - حقوق مصر

در حقوق مصر چنانچه رأی محکمه مبنی بر این باشد که توقیف اموال صحیح نبوده است و اموال غیرقابل توقیف و فروش می‌باشند، محکمه دستور رفع توقیف مال را صادر می‌نماید و کلیه

آثار توقیف مال زایل خواهد شد.^{۲۰}

در مورد تجویز حبس محکوم علیه در ازای عجز از پرداخت محکوم‌له که در حقوق ما به عنوان یکی از آثار غیرمستقیم تصمیم دادگاه صالح در رسیدگی به مستثنیات دین، از آن یاد شده است، در حقوق مصر چنین آمده است که حبس مدیون یکی از طرق اجباری اجرای حکم است و در مواردی خاص اعمال می‌شود از جمله در مورد، دین ناشی از نفقه و جریمه دولتی. اما شرط آن این است که شخص عاجز از پرداخت نباشد، یعنی موسر باشد ولی از پرداخت امتناع نماید.^{۲۱}

بنابراین برخلاف حقوق ما، در حقوق مصر چنانچه ثابت شود محکوم علیه غیر از مستثنیات دین مال دیگری ندارد، این امر موجب بازداشت محکوم علیه نخواهد شد. چون فرد عاجز از پرداخت است و مال دیگری غیر از مستثنیات دین ندارد و نیاز به اثبات اعسار محکوم علیه نمی‌باشد.^{۲۲}

ج - حقوق عراق

در حقوق عراق نیز مستثنیات دین بودن مال توقیف شده، موجبات لغو عملیات اجرایی را در پی دارد و چنانچه مالی توقیف شده باشد، سریعاً به دستور مدیر اجرا رفع توقیف خواهد شد و کلیه عملیات اجرایی تا آن لحظه لغو می‌شود و به محکوم‌له تکلیف می‌شود جهت ادامه عملیات اجرایی اموال دیگری از محکوم علیه معرفی نماید.^{۲۳}

در صورتی که محکوم علیه اموال دیگری در اختیار نداشته باشد، ممکن است تحت شرایطی موجبات بازداشت وی فراهم شود. شرایط بازداشت محکوم علیه در ازای عجز از پرداخت دین در حقوق عراق با حقوق ایران متفاوت است.

شرط اول این است که دائن به نحو صریح تقاضای بازداشت مدیون را نموده باشد. شرط دوم اینکه موانع قانونی برای حبس مدیون نباشد، موانع در حبس مدیون از این قرارند: ۱- مدیون معسر باشد. ۲- کمتر از ۱۸ سال و بیش از ۶۰ سال سن داشته باشد. ۳- بین دائن و مدیون رابطه نسبی یا سببی باشد، به جز در مورد دین ناشی از نفقه. ۴- بابت اصل دین یکبار حبس شده باشد.^{۲۴}

گفتار دوم - مراجع غیرقضایی

بند اول - اداره ثبت

اثر اثبات و احراز مستثنیات دین در عملیات اجرایی ناشی از اجرائیه صادره از ثبت، تقریباً همان است که در مورد اجرائیه صادره از دادگاه بیان شد. بدین نحو که چنانچه اثبات مستثنیات دین، در مرحله قبل از توقیف مال باشد، ادامه عملیات اجرایی راجع به مال مورد نظر ممنوع اعلام می‌شود و مشارالیه باید اموال دیگری از متعهد را به دایره اجرا معرفی نماید و چنانچه بعد از مرحله توقیف مال، ثابت شود که مال توقیف شده از جمله مستثنیات دین بوده است، باید از مال رفع توقیف شود و تحویل متعهد گردد.

چنانچه پس از انجام مزایده و قبل از تحویل مال یا تنظیم سند، اثبات شود که مزایده روی مستثنیات دین بوده است، مزایده باطل و با توجه به ملاک تبصره یک ماده (۱۰۳) آیین‌نامه^{۲۵}، مال مورد مزایده از

خریدار اخذ و به متعهد مسترد خواهد شد.

ابطال مزایده پس از احراز صحت مزایده از سوی رئیس ثبت به جهت وقوع حراج روی مستثنیات دین نیز موجب استردادهایی به متعهد خواهد شد، چراکه عملیات اجرایی باطل بوده است و اثری بر آن مترتب نخواهد بود. لازم به ذکر است برخلاف آثار غیرمستقیمی که بر تصمیم دادگاه در خصوص مستثنیات دین اموال مدیون مترتب بود، از جمله بازداشت محکوم علیه، در مورد اسناد لازم‌الاجرا قابل اجرا از طریق اداره ثبت، این اثر صادق نمی‌باشد. چراکه مطابق ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، محکوم به ناشی از حکم دادگاه مشمول قانون مذکور است و لذا در فرضی که در عملیات اجرایی اجرائیه صادره از اداره ثبت، اموالی غیر از مستثنیات دین به دست نیاید، متعهدله نمی‌تواند تقاضای بازداشت متعهد را نماید.

بند دوم - اداره دارایی

چنانچه رأی هیات حل اختلاف مالیاتی درخصوص اعتراض مودی به مال توقیف شده، مبنی بر پذیرش مستثنیات دین بودن مال مورد توقیف باشد، ادامه عملیات اجرایی راجع به مال توقیف شده، در جهت وصول مالیات از مودی ممنوع است و باید بلافاصله از مال توقیف شده، رفع توقیف شود. چنانچه بعد از صدور رأی هیات حل اختلاف، مودی به رأی صادره معترض باشد و اعتراض وی پس از فروش مال باشد، و این اعتراض در شورای عالی ثبت وارد تشخیص داده شود، هیات حل اختلاف نیز در راستای رأی شورای عالی ثبت، اظهار نظر می‌کند تا مال به مودی مسترد شود، (مستنبط از مواد (۲۵۶) و (۲۵۷) قانون مالیات‌های مستقیم).

چنانچه در راستای وصول مالیات، مالی غیر از مستثنیات دین از مودی به دست نیاید، هر چند مالیات جزء حقوق عمومی است و به حساب خزانه‌داری کل واریز می‌شود، لیکن چون عنوان محکومیت جزایی ندارد، مشمول ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی نمی‌باشد و لذا نمی‌توان مودی را به لحاظ عجز از پرداخت مالیات بازداشت نمود.

نتیجه‌گیری

اول - چنانچه در مرحله توقیف و فروش مال جهت اجرای حکم، محکوم علیه مدعی شود مالی که دایره اجرا در صدد توقیف آن است یا توقیف نموده است، از جمله مصادیق مستثنیات دین است، این امر مصداق حدوث اشکال در مرحله عملیات اجرایی است و علی‌الاصول وفق ماده (۲۵) ق.ا.ا، رسیدگی به این امر و رفع اشکال با مرجعی است که حکم زیر نظر او اجرا می‌شود و این مرجع، همان دادگاه صادرکننده حکم بدوی یا به عبارت بهتر دادگاه صادرکننده اجرائیه است. اما قانونگذار برخلاف مطالبی که بیان شد، در ماده (۲۵۵) ق.ا.ا.م، دادگاه صادرکننده حکم لازم‌الاجرا را مرجع صالح معرفی نموده است. می‌توان بیان قانونگذار را به مسامحه گرفت و اینگونه توجیه نمود که مراد از دادگاه صادرکننده حکم لازم‌الاجرا، یعنی دادگاهی که دستور اجرای حکم را صادر می‌نماید و موضوع حکم قانون را صادق بر مودی دانست که حکم در مرحله

بدوی قطعی شده باشد. اما با توجه به نص قانون چنین توجیهی موجه به نظر نمی‌رسد و دادگاه صادرکننده حکم لازم‌الاجرا یعنی دادگاه صادرکننده حکم قطعی و ای بسا که دادگاه تجدیدنظر صادرکننده حکم قطعی باشد. در این وضعیت روشن است، اولاً این موضوع برخلاف اصل صلاحیت رسیدگی دادگاه نخستین به اشکالات اجرایی است و ثانیاً؛ موجبات اطاله بیش از پیش اجرای حکم را فراهم می‌نماید، چرا که پرونده اجرایی باید به مرجع تجدیدنظر ارسال شود. بنابراین راهی جز اصلاح ماده (۵۲۵) به شرح زیر به نظر نمی‌رسد. بدین نحو که قانونگذار در ماده (۵۲۵) ق.آ.د.م. به جای عبارت، «دادگاه صادرکننده حکم لازم‌الاجرا» عبارت «دادگاه صادرکننده اجراییه یا دادگاهی که حکم زیر نظر او اجرا می‌شود» را به کار گیرد.

دوم - همانگونه که در مطلب قبل توضیح داده شده طرح مستثنیات دین در مرحله اجرای حکم از جمله اشکالاتی است که در این مرحله ایجاد می‌شود و رفع اشکال علی‌الاصول در قالب «تصمیم قضایی» و «دستور» خواهد بود نه «رأی». کما اینکه در ماده (۵۲۵) ق.آ.د.م نیز قانونگذار صریحاً اعلام نموده است «دادگاه «دستور» فروش می‌دهد و بدین نحو رفع اختلاف می‌نماید. بنابراین اولاً؛ تصمیم دادگاه در جهت رفع اختلاف طرفین در خصوص مستثنیات

دین، در قالب «دستور» است، ثانیاً؛ «دستور» غیر از «رأی» است و لذا چون رأی (حکم - قرار) تلقی نمی‌شود، قابل شکایت نمی‌باشد. البته در حقوق خارجی از جمله ماده (۵) قانون اجرای احکام اردن، همانگونه که در متن رساله ملاحظه نموده‌ایم، دستورات رئیس اجرا در مواردی قابل شکایت است و دستور رئیس اجرا در خصوص مجاز یا غیر مجاز بودن توقیف یا فروش برخی از اموال محکوم‌علیه از جمله مواردی است که قابل شکایت می‌باشد.

سوم - اعتراض محکوم‌علیه و طرح مستثنیات دین پس از احراز صحت جریان مزایده و دستور تحویل مال یا تنظیم سند، حسب مورد، باید وفق مقررات قواعد عمومی آئین دادرسی مدنی و در قالب طرح دعوی ابطال جریان مزایده و ابطال سند، ضمن تقدیم دادخواست و رعایت سایر تشریفات معمول، انجام گیرد. بنابراین طرح آن در قالب اشکالی که در عملیات اجرایی حادث شده است، و اتخاذ تصمیم دادگاه در قالب «دستور» صحیح نمی‌باشد، چه اینکه با صدور دستور تنظیم سند و احراز صحت جریان مزایده، عملیات اجرایی خاتمه یافته تلقی می‌شود.

چهارم - اثر اثبات مستثنیات دین، در مرحله اجرایی، حسب مورد، و با توجه به مراحل مختلف عملیات اجرایی، عبارت است از، توقیف عملیات اجرایی، رفع توقیف مال و ابطال عملیات مزایده، و به نحو غیر مستقیم، پس از اثبات این موضوع که محکوم‌علیه غیر از مستثنیات دین اموال دیگری ندارد، محکوم‌ه می‌تواند بازداشت محکوم‌علیه را وفق قانون نحوه اجرای محکوم‌تنبهای مالی از دادگاه درخواست نماید. لازم به یادآوری است که این آثار موقتی است و در هر مرحله‌ای که ثابت شود، وضعیت شغلی یا شأن عرفی و نیاز و ضرورت محکوم‌علیه به مستثنیات دین اموال، تغییر یافته است، آثار حاکم بر اثبات مستثنیات دین با توجه به وضعیت شغلی و نیاز و ضرورت محکوم‌علیه تعیین می‌شود. بنابراین با تغییر وضعیت، موضوع مستثنیات دین نیز تغییر می‌یابد و ای بسا این اموال قابل توقیف و فروش تلقی شوند.

آثار حاکم بر اثبات مستثنیات دین با توجه به وضعیت شغلی و نیاز و ضرورت محکوم‌علیه تعیین می‌شود.



پی‌نوشت‌ها:

۱- طبق نظر کمیسیون قوانین آیین دادرسی مدنی اگر منزل مدیون زاید بر نیاز او باشد وسیله اجرای احکام فروش می‌رسد و با منظور نمودن ثمن، منزل متناسب با نیاز مدیون تهیه و بقیه ثمن حاصل از فروش طبق مقررات به محکوم‌ه داده می‌شود. نظریه شماره ۷۷/۹۱۱/۷/۴۵۵۳ اداره حقوقی، شهری، غلامرضا و غیره، منبع پیشین، ش ۱۵۰، ص ۱۰۲.

۲ - عواد القضاء، مفلح، منبع پیشین، ص ۲۴۹.

۳- منبع پیشین، ص ۳۱.
 ۴- ابوالوفاء، الدكتور احمد، منبع پیشین، ص ۳۴۸.
 ۵- American Jurisprudence, op. Cit, n. ۱۴۱, p ۲۴۶.
 ۶- شمس، دکتر عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱، نشر میزان، ش ۵۴۶، ص ۲۶۷.
 ۷- شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور، طی دادنامه شماره ۷۹/۳/۲۹، ۱۳۵۱، تصمیم دادگاه بدوی در خصوص اعتراض همسر محکوم علیه نسبت به توقیف مسکن، را که از مصادیق مستثنیات دین تلقی شده بود، در مقام تجدید نظر رسیدگی و تأیید نموده است. که به نظر می‌رسد با توجه به مطالب مذکور، اصولاً تصمیم دادگاه غیر قابل اعتراض بوده است و رسیدگی دیوان در جهت تأیید تصمیم دادگاه قابل انتقاد به نظر می‌رسد؛ جهت ملاحظه تصمیم دادگاه بدوی و رأی دیوان، نک، ص. ۱۳۷، همین نوشتار.
 ۸- شمس، دکتر عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، منبع پیشین، ش ۵۷۷، ص ۲۸۲.
 ۹- الخلیل، الدكتور احمد، منبع پیشین، ص ۳۹۸.
 ۱۰- الجریده الرسمیه الصادره به تاریخ ۱۹۵۲/۵/۱۷ فی النصفه ۳۳۱ من العدد ۱۱۰؛ به نقل از عواد القضاء، مفلح، منبع پیشین، ص ۳۹۸.
 ۱۱- حسین المحمود، مرحمت محمودی، منبع پیشین، ص ۱۹۸.
 ۱۲- جزوه اجرای احکام مدنی، سبسه جزوات آموزشی، به اهتمام معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، شهریور ماه ۱۳۸۰، ش ۶۰، ص ۲۹.
 ۱۳- ج.ق. ر. رک، سال ۱۳۷۷، ص ۲۷۰.
 ۱۴- تبصره ۲ ماده یک آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه محکوم‌تنبهای مالی؛ منظور از مرجع صادرکننده حکم در هر حال مرجع بدوی است که حکم زیر نظر آن اجرا می‌شود؛ م.ق.ر. ک. سال ۱۳۷۸، ص ۵۲.
 ۱۵- مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال از تاریخ ۸۱/۱/۱ ریال افزیش یافت؛ بخشنامه شماره ۷۸۸/۱۲۵۳۳-۷۸۸/۲۷-۸۱/۶ قوه قضاییه.
 ۱۶- زندی، محمد رضا، مجموعه قانون و آیین نامه نحوه اجرای محکوم‌تنبهای مالی، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، سال ۱۳۷۸، ص ۲۰.
 ۱۷- شمس، دکتر عبدالله، تقریرات درس اجرای احکام مدنی مقطع کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۷۹-۷۸، ص ۳.
 ۱۸- «چنانچه موضوع این ماده صرفاً دین بوده و در ذمه مدیون باشد دادگاه در حکم خود مستثنیات دین را منظور خواهد داشت و...»
 ۱۹- عواد القضاء، مفلح، منبع پیشین، ص ۲۹۰.
 ۲۰- الخلیل، الدكتور احمد، منبع پیشین، ص ۳۹۸.
 ۲۱- الذناصوری، عزالدین، التعلیق علی قانون المرفعات - لسکندریه، ۱۹۹۷.
 ۲۲- الخلیل، الدكتور احمد، منبع پیشین، ص ۷.
 ۲۳- حسین المحمود، مرحمت محمودی، منبع پیشین، ص ۱۶۵.
 ۲۴- منبع پیشین، ص ۱۶۶.
 ۲۵- تبصره (۱) ماده (۱۰۳) آیین نامه نحوه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا مصوب ۱۳۵۵؛ در صورتی که هر یک از موارد مذکور در این ماده پس از انجام مزایده و قبل از صدور سند انتقال تحقق یابد اداره ثبت صورت مجلس مزایده را ابطال و سپس به ترتیب مقرر در ماده فوق عمل خواهد کرد و هر گاه مال مورد مزایده به برنده یا متعهد له تحویل شده باشد، مسترد می‌گردد. مجموعه قوانین و مقررات حقوقی به اهتمام قوه قضاییه، منبع پیشین، ص ۱۱۸۷.